

پیرامون مصاحبه افق با اعلیحضرت

(قسمت آخر)

امیر فیض- حقوقدان

سعی کنیم که این تحریر آخرین قسمت نقد مصاحبه افق با اعلیحضرت باشد.

اولین >نه< اعلیحضرت

دربیانات اعلیحضرت برای اولین بار است که واژه «نه و نمیدانم» بکار رفته است، و این مورد مربوط به سوال مصاحبه کننده است مبنی بر اینکه «چه مقدار پول توسط رسانه های گروهی جمع آوری شده است» فرمودند نمیدانم.

فکر میکنم برای رفع شبهه و اهمیت موضوع به اینکه اولین > نه < در کلام اعلیحضرت متوجه سوال چه مقدار پول جمع آوری شده، این توضیح را لازم داشته باشد.

ممکن است خواننده محترمی که تحریرات مربوط به مصاحبه افق را دنبال میکند با پاسخ اعلیحضرت به سوال دیگر افق مبنی بر اینکه «هینت حقوقی فرانسوی که بر انتخابات و صلاحیت شرکت کنندگان نظارت داشته کیست و آیا میشود اسامی آنها را اعلام کنید» اعلیحضرت فرمودند از مسئولین بپرسید این تصور بوجود بیاید که اولین >نه و نمیدانم< اعلیحضرت متوجه سوال راجع به مبلغ جمع آوری شده نیست بلکه متوجه سوال اسامی هیئت نظر فرانسوی است.

برای رفع این سوء برداشت این توضیح بجاست که عبارت <ازمسئولین بپرسید> به معنای نمیدانم نیست و به معنای آن است که ایشان اجازه و اختیاری در بیان آن اسامی ندارند و سوال کننده را حواله میدهند به مسئولین شورا.

ولی >نمیدانم< در پاسخ به پرسش چه مقدار پول جمع آوری شده گویای آن است که از بیخ و بن بی اطلاع هستم.

همه میدانیم و نقطه مشخص و عیان فعالیت جمع آوری پول بوسیله رسانه های گروهی شخصیت و اعتبار اعلیحضرت بوده است که بطور مشهود سایه حمایتی برشورای باصطلاح ملی! داشته اند و در کلامی ساده میتوان گفت که آبرو و حیثیت سیاسی اعلیحضرت کاسه جمع آوری پول بوده است و اگر بجای آن کاسه مورد اعتماد و احترام ایرانیان کاسه دیگری گردان بود بحث دیگری بود.

قاعدتا قابل قبول نیست که کاسه و صاحب اصلی آن نداند که چقدر در کاسه جمع شده است آنهم بعد از گذشت یکماه.

نمیدانم، نسبت به مسائل علمی وارد است ولی نسبت به پول و آنچه که جنبه رقم دارد مسموع نیست، رقم خود گویای حقیقت است و نمیدانم، تا زمانی است که رقم متحول است و همینکه جمع آوری پول تمام شد رقم بیان کننده مبلغ جمع آوری پول میشود، امروزه فن حسابداری به کیفیتی

است که با استفاده از ماشین هردقیقه معلوم است که مبلغ جمع آوری شده چقدر است، آنهم بطور خودکار، نه اینکه لازم باشد جمع و تفریق صورت گیرد.

آیا ممکن است تصور شود که جایگاه همت والای اعلیحضرت وسعه صدر ایشان اجازه حضور در این قبیل مسائل را نمیدهد و «نمیدانم» ایشان بدان جهت است؟ آری ممکن و قابل اعتبار است مشروط بر اینکه اعلیحضرت در مقام تصدی سلطنت قرارداد کنند و طبق قانون اساسی برای امور اجرایی مبارزه تعیین فرماندار میفرمودند، ولی در وضع حاضر که همه جا قراردادند به غیر از جایگاه سلطنت و عدم دخالت در امور اجرایی، تمسک به نمیدانم توسل به کتمان حقیقت است.

در همین مصاحبه اعلیحضرت تاکید داشتند بر اینکه مبالغ جمع آوری شده زیر نظر حسابداران قسم خورده و خرج آن قابل کنترل است و اسناد آن هم موجود است.

اولین کسی که صلاحیت پرسش از حسابداران قسم خورده را دارد شخص اعلیحضرت است که کاسه جمع آوری پول ساخته شده از شخصیت و اعتبار ملی ایشان است نه بنده نوعی و امثال بنده.

حسابدار قسم خورده فقط و انحصاراً به صاحب حساب و دولت و در موارد خاصه به دادگاه پاسخ میدهد نه دیگران.

وانگهی جمع آوری اعانات زیر نظر اشخاص معتمد و مورد اعتماد مردم صورت میگیرد، نه حسابداران قسم خورده، بهمین دلیل است که موسسات خیریه دارای هیئت امناء هستند، لذا اصل اعتماد ایجاب میکند که هریک از افراد هیئت بدانند که مبلغ جمع آوری شده چه مقدار است و ممرهای ارسال آن کدام است، زیرا آنها گواهی معافیت مالیاتی به کمک کننده کان میدهند.

در مصاحبه با آقای پیرزاده ایشان صریحاً گفت که برای هزینه های شورای ملی از کمک های جمع آوری شده بوسیله رسانه ها سهمی نداشته و از محلهای دیگر! تامین هزینه شده است، بنابراین، این پرسش بجاست که ممر خرج مبلغ جمع آوری شده چه بوده است؟ مسئول و متصدی خرج هزینه مزبور که بوده است و فراموش نکنیم که پاسخ این سوالات از گرده حسابداران قسم خورد خارج است زیرا وظیفه حسابداران قسم خورده تطبیق اسناد درآمد و هزینه است نه دخالت در ماهیت مخارج.

در اعلامیه شورای به اصطلاح ملی با معرفی حسابجاری بانکی از ایرانیان درخواست شده که کمک های خود را به حساب مزبور واریز کنند و از طرفی شورا آقای [نادر] درمانی نامی را که بنابر ملاحظات اعلام شده در تلویزیون اندیشه نزدیک به سه میلیون دلار بابت مبارزه، خود را طلبکار میدانند به مقام صندوقداری شورا معرفی کرده است [!] آیا این انتصاب یک وضع غیر عادی نیست که طلبکار ادعائی از تلویزیون اندیشه استیلائی بروجوهی راداشته باشد که مخرج مشترک آنها با ادعای طلب آقای درمانی یکی است؟ آیا تصدی آقای درمانی به وجوه و اعانات شورا در آینده دلیل و قرینه ای نیست که آقای درمانی نسبت به جمع آوری اعانه رسانه های گروهی هم نقش تسلط بر آن وجوه راداشته است.

بهر حال - قرائن بالا و زوایای دیگری که قابل بررسی است نشان میدهد که مسئله جمع آوری اعانه بوسیله رسانه های گروهی با < نمیدانم > ختم شدنی نیست و سرغانله ای است که آینده، بدنه تمام عیار آنرا نشان خواهد داد.

از برنامه های شورا تا نامه به خامنه ای

مصاحبه کننده پرسش کرد که برنامه آینده شورا چه هست؟ اعلیحضرت فرمودند <شورا کمیسیون هائی برای امور سیاسی - امور دانشجویی - اقتصاد - نفت - انرژی اتمی و امثالهم تشکیل خواهد داد و از هم اکنون در باب قانون اساسی مطالعه خواهد کرد ماباید از هم اکنون آماده باشیم> البته در مصاحبه بزرگمهر <فعالیت شورا را متوقف کردید خارجیان نسبت به شورا اعلام داشتند>

بنابراین، نوشتن نامه توبه آمیز و درخواست بیعت خفت آور از سوی شورای به اصطلاح ملی! هرگز در تصور اعلیحضرت هم سایه اجرائی نداشته است والا اشاره ایشان حتمی بود چراکه، عادتاً در جستجوی اشاره ها برای بیان و تطویل آن هستند.

دلیل دیگر اینکه انسان هر قدر گرفتاری فکری داشته باشد یادش هست که با آن سروصدا هائی که خامنه ای را تحت تعقیب کیفی قرار داده نباید چنین نامه ای که بهرحال منتسب به او میشود به خامنه ای نوشته شود. خیلی فرق است بین اینکه دادگاه دعوا را بی اعتبار میسازد با چنین نامه ای آنها بعد از آنهمه مصاحبه ها و ملاحظات، و وکیل کشی ها.

فاصله بین مصاحبه اعلیحضرت در افق با نامه شورا به خامنه ای تنها ۵ روز است و ۵ روز فاصله

ناچیزی است که برای تهیه نامه هم کافی بنظر نمیرسد و این خود دلیلی است که اولین برنامه

محرمانه شورا، بیعت باخفت با جمهوری اسلامی بوده است.

برخی برای مدعی موفقیت بزرگی را به حساب میآورند در حالیکه او توانست فقط بی آبرویی چند سقط شده پیروز را بنمایش بگذارد، ولی "مدعی" شورای به اصطلاح ملی! کاری کرد که پدرجد مدعی هم تصور انجامش رانداشت، بیعت باخفت مبارزه و همچنین بیعت اعلیحضرت و علیاحضرت و همسر محترم اعلیحضرت همراه یک گروه ادعای ۲۰ هزار نفری کاری بس عجیب و دستاورد فوق ارزشمندی است که شورا برای شخص خامنه ای و جمهوری اسلامی بوجود آورد و در کلامی موحش شخصیت و اعتبار خاندان سلطنتی ایران و گروه عظیمی از ایرانیان را همراه سی و چند سال مبارزه به ولایت فقیه هدیه کرد.

مدعی راکسی نمیشناخت! ولی مدعی های با اصطلاح دفتر سیاسی راهم کسی نمیشناسد؟ بقول نظامی و یا جامی

شناسانش بر کسی نیست دشوار ولیکن به حیرت میکشد کار

آیا آنچه که ازنا درستی، دغلكاری، سیاه بازی، خلف وعده، دروغ پرانی و دست آخرنامه بیعت آمیز به خامنه ای که ناظرید و از مصدریت این چند نفر خود انتصابی صورت گرفته کافی نیست که هوش را دعوت به هوشیاری کند؟

شاید لازم بشود که در تحریری اثر حقوقی بیعت نامه مزبور نسبت به مبارزه گذشته و آینده علیه جمهوری اسلامی مطرح شود ولی بهرحال نباید از خاطر دورداشت که با اثبات فضولی بودن این نامه، بر عمل فضولی هیچگونه آثاری مترتب نیست.

سیر مراجع اعلیحضرت

درمقابل این سوال مصاحبه کننده که «گروهی از سازمان هائشورا استقبال نکردند» اعلیحضرت فرمودند «این یکی از مراتب دموکراسی است» و اضافه کردند که «عقیده هرکس محترم است و نمیشود خواست که همه مردم یک جور فکر کنند»

اما پس از آنکه اعلیحضرت باسوالاتی از طرح آنها چندان راضی نبودند مواجه شدند فی الفور نسبت به نظریه خودشان نسبت به آزادی عقیده افراد به شورا تجدید نظر فرمودند و متأسفانه مخالفین شورا را از عوامل و وابستگان جمهوری اسلامی دانستند.

فکر میکنم کم لطفی و بی مهری از این بیشتر نمیشود مولوی بیٹی دارد که وصف الحال است؛

چون پذیرفتی تو مارا زابتدا مرحمت کن همچین تا انتها

البته ماسلطنت طلبان درگذشته از بی مهری های اعلیحضرت بسیار کشیده ایم و به صفاتی متهم شده ایم که هرچه باشد صفات شخصی و قابل تحمل است و آنها در مقام اتهام و ابستگی به جمهوری اسلامی برای یک مبارز معتقد سیاسی قابل مقایسه نیست، اتهامات سیاسی آنهم از قبیل و ابستگی به جمهوری اسلامی برای یک مخالف اعتقادی باجمهوری اسلامی، که شرافت و مردانگی و غیرت میهن پرستانه مبارز را هدف میگیرد و تحملش آسان نیست

یکی از شعرا گفته است

هرچه از شاهم رسد نیکو بود گرچه حکمش قتل عام مابود

ولی آن شاعر گفته است «هرچه از شاه رسد» نه اینکه از کسی که بعد از سی سال اکنون به سخنگویی یک شورای فعال در نقش ستون پنجم آمریکا مباحثات نماید.

نرخ گذاری میان قیل و قال

دربیانات اعلیحضرت در مصاحبه حاضر، اشاره تند و زود گذری بود که مصداق ضرب المثل نرخ گذاری میان دعوا میباشد.

فرمودند «من سی و سه سال است که این چنین سخنانی را که امروز میگویم گفته ام»

باستحضار حقیقت رسانده میشود که فرمایشات اعلیحضرت از حقیقت دور است. ۶ سال نخست مبارزه فرمایشات ایشان حکیمانه و از منشاء قانون اساسی مشروطیت و اعتبار سوگند وفاداری به قانون اساسی و سلطنت و احترام به تمامیت ارضی ایران بود که همه ضبط در اوراق تاریخ مبارزه است، و از زمانی که اعلیحضرت مسیر سقوط از جایگاه قانونی سلطنت را انتخاب فرمودند، بود که درست همانند انسانی که از ارتفاع بلندی سقوط آزاد میکند کنترلی در حرفهایش ندارد، قرار گرفتند و اکنون این سقوط به مرحله سخنگویی شورانی رسیده، که خدای ایران این مسیر سقوط را متوقف سازد.